

چرا مهمونی ماہ رمضان اینقدر سختہ؟ مگہ مهمونی نعییریم کہ بهمون خوش بگذره؟



فرق مهمونی ماہ رمضان با بقیہ مهمونی ها چیه! چه کار کنم که توی ماہ رمضان بهم خوش بگذره؟
تا حالا شده یہ مهمونی بزرگ دعوت بشی، ولی از همون اول حس کنی که اینجا جای تو نیست؟
ساکت و بی حوصله یہ گوشه بشینی و همه اش منتظر باشی که زودتر همه چی تموم بشه و برگردی خونه!
یا اینکه از اول تا آخر خودت رو با خوراکی ها و تماشای در و دیوار و شمردن ثانیہ ها سرگرم کنی!؟

چرا؟! چون میزبان رو درست نمی شناسی، باهاش صمیمی نیستی، و هیچ حرف مشترکی هم بینتون نیست! حالا به مهمونی دیگه رو تصور کن! به مهمونی که ممکنه کوچیک باشه و توش خبری از غذاها و سرگرمی‌ها و سروصداها‌ی خاصی هم نباشه!

ولی تو میزبان رو دوست داری، باهاش خاطره داری، می‌شین کنارش، می‌خندی، حرف می‌زنی و دلت نمی‌خواد لحظه‌ها تموم بشن! حال و روز دل ما توی ماه مهمونی خدا هم همینه!

اگه میزبان رو نشناسیم و باهاش رفیق نباشیم! فقط منتظریم که زودتر همه چی تموم شه و راحت شیم. هیچ وقت هم سردر نمیاریم که «مهمونی ماه رمزون برای کدوم بخش وجود ما برقرار شده» تو چی فکر میکنی رفیق برنا؟



دوست مهمان

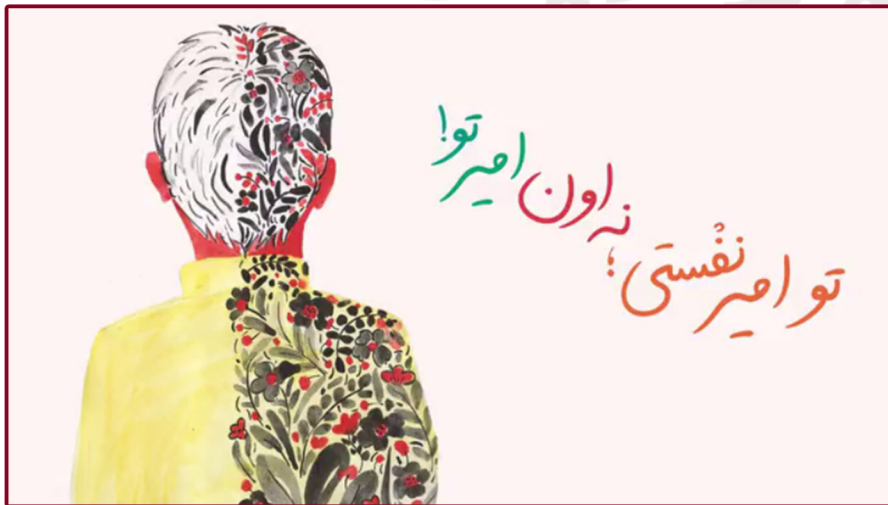
این که نشد مهمونی توی
ویکی پدیا هم که سرچ کنی
مهمونی رو با به شرایط
دیگه‌ای توصیف کرده!



QR کد را اسکن کنید.

حتما تا حالا شنیدین که ماه رمضان ماه مهمونی خداست! ولی خوب احتمالا این سوال هم واسه تون پیش اومده که این چه جور مهمونی‌ایه که باید توش انقدر سختی بکشیم؟ اون موقع که اوضاع عادی بود و خبری از مهمونی و این جور چیزها نبود، حداقل به لقمه نون پنیر می‌تونستیم بخوریم، الان دیگه نه فقط از اون به لقمه خبری نیست که دیگه اجازه آب خوردن هم نداریم! انقدری که به وقت با خودمون می‌گیم، نکنه اشتباهی فکر کردیم مهمونی ماه رمضان برقراره یا شاید هم از به اشتباهی رفتیم تو و مهمونی به جای دیگه است که ما خبر نداریم!

البته کاملا هم حق دارین، چون مهمونی ماه رمضان با بقیه مهمونی‌ها به فرق اساسی داره! حالا اگه کنجکاو شدین بدونین قضیه اون فرقه چیه و چه جوری باید بریم توی این مهمونی که بهمون خوش بگذره و چی میشه که بعضی‌ها از اول تا آخرش غر میزنن و دوست دارن که مهمونی زودتر تموم بشه، مجله این هفته ما رو از دست ندین!



QR کد را اسکن کنید.



■ واسه گدوم بخشمون اومدیم؟

خب اول از همه باید چک بکنیم ببینیم آدرس رو درست اومدیم یا نه؟ ماهش که درسته، مهمونی هم که قراره برگزار بشه، پس اگه هرچی میگردیم و مهمونی رو پیدا نمی‌کنیم، لابد یه جای کار خودمون ایراد داره! یعنی یا چشم‌امون رو خوب باز نکردیم که مهمونی رو نمی‌بینیم، یا انقدر فاز و حال و هوامون فرق میکنه که یه جاهای دیگه دنبال مهمونی میگردیم، نه اون جاهای که خدا منظورش بوده!

آخه هر چی نباشه حسابی که خدا داره روی ما باز میکنه با قد و قیمتی که خودمون واسه خودمون تعیین می‌کنیم، فرق داره! یعنی ما از بس خودمون رو به دنیا و دار و دستکش عادت دادیم که نمی‌تونیم به جز تعداد غذاها و میزان چرب و چیلی بودنشون و خوراکی‌های قبل و بعدش ملاک دیگه‌ای واسه یه مهمونی خوب داشته باشیم!



دوستنام

■ بعضی وقتا هست که تو هیچ جوری وصله یه جایی نمی‌شی! آخه با میزبان آشنا نیستی!



QR کد را اسکن کنید.

■ از دید خدا قضیه چه مدلیه؟

ولی خب خدا از اون جایی که خداست، کلا به جور دیگه به قضیه نگاه میکنه؛ یعنی چون ما رو آدم حساب میکنه و واسمون کلی احترام قائله، ما رو تو حد و اندازه به گیاه با دغدغه‌های گیاهی نمی‌بینه که نهایت آرزومون توی طعم و مزه و رسیدن به یه سفره هفت رنگ یا یه میز رنگارنگ خلاصه بشه. یعنی وقتی حرف از مهمونی میزنه، منظورش مهمونی واسه آدما و بخش انسانی‌شونه، نه اونایی که فقط شکلشون شکل آدمیزاده!

پس اگه توی مهمونی ماه رمضون اومدیم ولی اثری از مهمونی نمی‌بینیم، باید به نگاهی به خودمون بندازیم، چون احتمالا خودمون رو آدم ندیدیم و با یه من دیگه‌مون تشریف آوردیم مهمونی!



QR کد را اسکن کنید.



■ خوب چرا اگر سنگی بکشم؟

حالا سوال اینجاست که مگه زمین به آسمون می‌اومد اگه هر دوتا رو باهم داشتیم؟ یعنی همزمان که یه مهمونی به افتخار بخش انسانی‌مون ترتیب می‌دادیم و کیفش رو می‌کردیم، یه لقمه نون و پنیر هم می‌خوردیم که از دل ضعفه نمی‌مردیم! خداییش کی با معده خالی از بودن توی مهمونی لذت می‌بره که ما دومیش باشیم؟ اصلا میدونین چیه؟ نکته‌اش همین‌جاست! آخه ما تا بخش‌های پایینی‌مون، یعنی همون چیزهایی که با جامدها و گیاهان و حیوون‌ها مشترکه ضعیف نشه، اون خود واقعی‌مون قوی نمیشه! واسه همینم خدا اون بخش‌های پایینی رو که یازده ماه واسه خودشون جولان دادن و ما رو حسابی اسیر خودشون کردن، توی این ماه روزی چند ساعت تعطیل میکنه تا اون قسمت انسانی و آدمیزادی‌مون هم یه نفس بکشه! بلکه این جور یه تعادلی توی وجودمون برقرار بشه! چون اگه دست خودمون باشه که لابد انقدر خودمون رو غرق خورد و خوراک و هیکل و قیافه و خواسته‌های ریز و درشتمون می‌کنیم، که اصلا یادمون میره که آدم بودنمون به واسطه یه چیز دیگه‌ست!

البته تعطیل کردن این بخش‌ها اون قدر هم چیز عجیب و غریبی نیست! چون مربی‌ها هم وقتی می‌خوان شانس مدال آوردن رو توی بچه‌هاشون زیاد کنن، قشنگ یه رژیم سفت و سخت و یه برنامه جدی بهشون میدن تا چیزای اضافه رو محدود کنن و زودتر به نتیجه برسن! حالا بماند که بعضیا با اینکه اون چند ساعت روزه رو تحمل میکنن ولی موقع افطار یه جوری تلافی میکنن که انگار نه انگار که خدا از همه این چیزها یه منظوری داشته!



QR کد را اسکن کنید.



■ چرا بہ بعضیا خوش نمیگذرہ؟!؟

پس با این حساب طبیعیہ اونایی کہ عین خیالشون نبودہ و اصلا نمی‌دونن بخش انسانی‌شون کجاست و چیا لازم دارہ، بہشون بر بخورہ کہ چرا مہمونی ماہ رمضون این مدلیہ و توش از خورد و خوراکی‌های جورواجور خبری نیست؟! آخہ اصلا تو باغ نبودن و خودشون رو واسہ یہ چیز دیگہ آمادہ کردن! یعنی نہ فقط از ادب این مہمونی خبر نداشتن، کہ کلا با یہ شکل و قیافہ دیگہ اونجا حاضر شدن! درست مثل کسی کہ با یہ تیپ ورزشی و خفن رفتہ توی مہمونی و انتظار دارہ بشینہ فینال جام باشگاہ‌های اروپا رو ببینہ، ولی کلا با یہ فضای علمی و رسمی و باکلاس مواجه میشہ کہ هیچ ربطی بہ این چیزا ندارہ!

با این حساب اگه این مهمونی صد برابر هم از مهمونی که می‌خواست بره بهتر باشه، به خاطر تیپ و قیافه و ذهنیتش، نه فقط توی مهمونی بهش خوش نمی‌گذره که لحظه شماری میکنه که مهمونی تموم بشه و بره به زندگیش برسه!

شاید باورتون نشه ولی مهمونی ماه رمضان مثل یه دستگاہ حقیقت سنجه! آخه درست بهمون میگه با کدوم مَن مَوْن اومدیم مهمونی! فقط کافیه ما یه نگاه به دلمون بکنیم و ببینیم از اومدن این ماه خوشحالیم یا حالمون گرفته؟ آخه هرکی حالش گرفته‌ست یعنی من آدمیزادیش رو گذاشته پشت درو با من‌های دیگه‌اش اومده مهمونی! حالا یه دور با دقت و گوشای باز چراغ رو گوش کن تا همین اول ماه رضونیه کار قشنگ دستت بیاد:

■ چراغ



QR کد را اسکن کنید.